

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش در منطقه غرب آسیا

دکتر حسین مسعودنیا^۱

ابوطالب کشتکار^۲

^۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان H.masoudnia@ase.ui.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، (خوراسگان) keshctcar2002@yahoo.com

چکیده

محیط استراتژیک و ماهیت معادلات امنیتی در تعیین اهداف امنیت ملی هر کشوری در اولویت قرار دارد؛ از اینرو همواره منافع ملی و تهدیدات امنیتی ایران در محیط امنیتی غرب آسیا تعریف می‌گردد. با توجه به گفتمان انقلاب شیعی و تقابل آن با گفتمان اهل تسنن دولتهای منطقه و مداخله قدرتهای بزرگ گروه های امنیت ملی ایران همواره با چالشهایی مواجه بوده است. جنگ ایران و عراق، مشکلات متعدد امنیتی در خلیج فارس و تروریسم و افراط گرایی نمونه ای از این چالش ها است. ایران نمی تواند، در مقام یک قدرت منطقه‌ای، نسبت به چنین بحران‌آفرینی‌هایی در قلمرو حیاتی خود، بی تفاوت باشد. لذا دور کردن خطرات از مرزهای خود و حفظ امنیت، مسئولیت‌پذیری در مدیریت، اداره و برطرف‌سازی بحران‌های منطقه‌ای، در سیاست خارجی ایران لحاظ شده است. داعش موفق شد بخش‌هایی از شمال سوریه را تصرف و تقریباً سراسر استان رقه را تصرف کند. سپس، همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرد و کنترل رمادی و فلوجه در عراق را در اختیار می‌گیرد. در سال ۲۰۱۴ داعش با گسترش اقدام نظامی خویش توانست موصل، دومین شهر عراق را تصرف کند و کنترل بخش زیادی از خاک عراق از جمله تکریت را نیز بدست گرفت. پیشروی داعش تا نزدیکی‌های بغداد، یکی از شگفتی‌های راهبردی محسوب می‌شود. گرچه درگیر شدن داعش با سوریه بعنوان متحد راهبردی ایران نگرانی‌های زیادی برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده بود، اما ورود داعش به عراق از سال ۲۰۱۴، ورود به فضای حیاتی - هویتی ایران تلقی می‌شد که نگرانی از تهدید این گروه علیه کشور را افزایش داد. سوال اصلی تحقیق این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال داعش در منطقه غرب آسیا چگونه بوده است؟ فرضیه تحقیق این است که جریان داعش یک جنبش سلفی-تکفیری بر مبنای خشونت بود که ج.ا.ایران به مقابله با آن بر آمد. بنابر این، در این مقاله کوشش می‌شود تا راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال چالشهای منطقه غرب آسیا بویژه بحران داعش در چارچوب رئالیسم تدافعی با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بررسی و تحزیه و تحلیل گردد.

● واژگان کلیدی

امنیت ملی، منافع ملی، سیاست خارجی، داعش، تروریسم، افراط گرایی.

منطقه غرب آسیا و خاورمیانه، شامل مجموعه ای از چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس و شامات می باشد و کشور های بحرین، مصر، ترکیه، عراق، فلسطین (رژیم غاصب صهیونیستی)، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان، ایران، سوریه، امارات متحده عربی و یمن در آن جای دارند. بعد از سقوط صدام حسین و اشغال عراق توسط آمریکا و همین طور فضای بوجود آمده تحت تاثیر بهار عربی و اتفاقات سوریه، گروهی افراطی و تروریستی به نام داعش رشد نمودند و با تصرف بخشهایی از خاک عراق و سوریه اقدام به تاسیس خلافت اسلامی کردند. این امر بعنوان یک بحران منطقه ای دارای پیامد های امنیتی جهانی و فرامنطقه ای بسیاری می باشد؛ پدیده ای که موجب ایجاد تعریف دستور کارهای جدیدی در جهت مقابله با تروریسم و الگوهای دوستی، دشمنی و رقابت جدید در سطح منطقه ای و فرا منطقه ای در غرب آسیا شده است.

اگر به پیشینه این نوع گروهها توجه کنیم، می توانیم ریشه های آن را از لحاظ کلامی و ایدئولوژیک در تاریخ اسلام جستجو کرد. یکی از مسائل مهم که مسلمانان از صدر اسلام تاکنون با آن، مواجه بوده اند، پدیده «تکفیر» است. تاریخ اسلام، گویای حوادثی غم انگیز است که بر اثر تکفیرهای نابجا و ایجاد فضای مسموم، از پیشرفت و آزادی اندیشه های خلاق و مبتکر، جلوگیری کرده و بسیاری از جوامع اسلامی را به رکود فکری دچار نموده است؛ این پدیده شوم، عصر ما را نیز به عصر اتفاق های غم انگیز و دردناک تبدیل کرده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت پژوهش بدین لحاظ است که مباحث امنیت، منافع ملی و سیاست خارجی، مهمترین موضوعات روابط بین الملل و کشورها می باشند. هر کشوری بسته به نوع نگاه و سیاست خارجی خود، در باره یک موضوع یا بحران، نسبت به آن رفتار می کند. موضوع داعش و نحوه شکل گیری و گسترش آن و میزان تاثیر گذاری آن بر امنیت و منافع ملی ایران، ضرورت این پژوهش را دو چندان می کند.

چارچوب نظری

رنالیسم تدافعی که اغلب از آن بعنوان رنالیسم ساختاری یاد می شود در اواخر دهه ۱۹۷۰ با ظهور نظریه سیاست بین الملل والتز^۱ وارد عرصه شد. بنا به عقیده والتز تنها هدف دولتها حفظ

^۱. Kenneth Waltz

بقایشان است و دستیابی به امنیت در راس تمام اهداف قرار دارد (مرشایمر، ۲۲: ۱۳۸۸). از نظر رئالیستهای تدافعی، ساختار نظام بین الملل باعث می شود که دولتها انگیزه چندانی برای افزایش بیش از حد قدرت نداشته باشند و در عوض آنها به سمت حفظ موازنه قوای موجود سوق می یابند. حفظ قدرت و نه افزایش آن هدف دولتهاست (مرشایمر، ۲۴: ۱۳۸۸). جک اسنایدر^۱ و استفن والت^۲ مهمترین واقع گرایان تدافعی محسوب می شوند. تاکید والت بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قدرت است. تهدید عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزکارانه احتمالی آن. از نظر والت آنچه در روابط بین الملل میان دولتها اهمیت دارد برداشت آنها از هم بعنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت (مشیرزاده، ۱۳۴: ۱۳۸۹-۱۳۵).

از منظر نو واقع گرایی تدافعی، در وضعیت آنارشی، تامین و تضمین بقا و امنیت برترین و بالاترین هدف کشورهای عاقل است. تنها در صورت تأمین و تضمین این هدف، کشورها می توانند بدون خطر و با اطمینان خاطر اهداف دیگری مانند آسایش، رفاه، سود و ثروت را تعقیب نمایند (قاسمی، ۸۵: ۱۳۷۹-۸۶). اما والتز آشکارا باور و اذعان دارد که بقا به معنای تأمین امنیت کافی مستلزم بیشینه سازی قدرت و هژمونی نیست؛ بلکه با کسب و حفظ میزان مناسب و مقتضی از قدرت در موازنه قوای جهانی امکان بقا وجود دارد. عاقلانه ترین و کم هزینه ترین راهبرد تأمین بقا و امنیت نیز موازنه سازی است نه توسعه طلبی و جنگ (التز، ۱۹۷۹: ۴۰). واقع گرایان تدافعی به سه دلیل پیگیر هدف بیشینه سازی قدرت برای دستیابی به هژمونی جهانی و منطقه ای را راهبردی نابخردانه و احمقانه می پندارند: اول، همانگونه که والتز استدلال می کند، بیشینه سازی قدرت و هژمونی یک کشور باعث مقابله سایر کشورها در چارچوب موازنه سازی برون گرا و درون گرا می شود که آن را ناامن و حتی ممکن است نابود سازد. دوم، سهولت و صعوبت توسعه طلبی و تهاجم بر مبنای تعادل یا موازنه دفاع هجوم سنجیده و برآورد می شود (التز، ۹۱: ۱۹۸۹). سوم اینکه درست است که کشورها در پی افزایش قدرت خود هستند ولی مهمترین هدف آنها جلوگیری از افزایش قدرت دیگران است و بر هم خوردن موازنه قدرت به ضررشان تمام می شود. بنابر این، دغدغه کشورها بیشینه ساختن قدرت نیست بلکه حفظ جایگاهشان در نظام است. (شیخ الاسلامی، ۱۴۰: ۱۳۹۲)

^۱. Jack Snyder

^۲. Stephen Walt

این موازنه نشان می دهد که آیا امکان شکست کشور مدافع و موفقیت و سودمندی تهاجم وجود دارد یا نه . به نظر واقع گرایان تدافعی موازنه دفاع هجوم معمولاً بشدت به نفع کشور مدافع سنگینی می کند. هر کشوری که تلاش کند به میزان بیشتر از آنچه که برای تأمین امنیتش نیاز دارد قدرتش را افزایش دهد درگیر جنگ های بازنده خواهد شد. از اینرو، کشورها به بیهودگی و بی تأثیری تهاجم واقف شده و به جای آن بر حفظ جایگاه و موقعیت خود در موازنه قوا تأکید و تمرکز خواهند کرد. در صورتی که کشورها مجبور به تهاجم نیز بشوند اهداف محدودی خواهند داشت (فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۴۰).

روند شکل گیری داعش

داعش جزء نادرترین گروه های تروریستی است که برخوردار از قدرت سازماندهی، نهادسازی و حکومتی است که البته طبق مؤلفه ها و شواهد نمی توان آن را یک گروه تروریستی صرف نیز تعریف کرد، چرا که داعش از مؤلفه هایی چون نیرو و تشکیلات منسجم نظامی، پایتخت نظامی و اقتصادی، ضرب سکه، راه اندازی مدرسه و دانشگاه و از همه مهمتر مردمانی تحت حاکمیت خود برخوردار بود که همین مؤلفه ها اطلاق آن را بعنوان یک گروه تروریستی صرف دشوار ساخته است (ببری، ۱۳۹۳: ۲). بطور کلی، دو دیدگاه در مورد علل و زمینه های شکل گیری جریان های تکفیری (داعش) در خاورمیانه وجود دارد. دیدگاه اول عوامل داخلی موثر در ظهور این جریان می باشد و دیدگاه دوم بر عوامل خارجی مؤثر بر ظهور این جریانات تأکید دارد (زارعان، ۱۳۹۲: ۸۷).

یکی از عوامل ظهور تروریستهایی نظیر داعش در خاورمیانه سرنگونی دولتهای اقتدارگراست که دولتهای جانشین آن توان کافی برای برخورد با گروههای تروریستی را ندارند. این روند با تحولات عربی در سالهای اخیر کامل شد. در عراق، سوریه، مصر و لیبی شاهد حضور دولتهای فاقد توانمندی سیاسی و نظامی لازم برای رویارویی با داعش بودیم (آذین و سیف زاده، ۱۳۹۴: ۳۱). سال ۲۰۱۱ را باید سال آغاز قدرت گرفتن این گروه های بنیادگرای اسلامی در خاورمیانه قلمداد کرد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۸۷). قیام های بیداری اسلامی در کشورهای عربی، زمینه را برای خودنمایی این گروه ها آماده کرد. جنگ داخلی سوریه و عدم برخورد مناسب رژیم بعث با اعتراض های روی داده باعث نارضایتی اقوام و مختلف سنی شد و گروه های افراط گرا هم از این موقعیت بوجود آمده به نفع خود بهره برداری کردند.

بطور معمول، یکی از عواملی که بشدت در پدیدارشدن اینگونه گروه‌ها و جنبش‌ها ارزیابی می‌شود، بحران‌های اجتماعی موجود در بدنه جوامع کشورهای خاورمیانه و اسلامی است که در طول سالین متمادی، لاینحل باقی مانده است. بنابراین، داعش در خلأ امنیتی موجود در عراق در سالهای پس از اشغال توسط آمریکایی‌ها و در شرایط ضعف و فساد دستگاه‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی این کشور ظهور کرد. آغاز بحران در سوریه و دگردیسی بحران از وضعیت امنیتی به نظامی، نظام سوریه را در کنترل بخش‌های وسیعی از این کشور ناتوان کرد و در چنین شرایطی عرصه برای تاخت و تاز داعش در سوریه و قدرت‌یابی هرچه بیشتر و گسترش آن فراهم شد.

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال داعش

برای اینکه به تصویر روشنی از سیاست خارجی ایران در قبال داعش دست‌یابیم ابتدا نگاهی اجمالی می‌اندازیم به اصول کلی که ایران در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند و سپس توضیح می‌دهیم که چرا سیاست خارجی ایران ماهیت واقع‌گرایانه تدافعی دارد؟ اصول سیاست خارجی ایران در برگیرنده باورها و اعتقادات جمهوری اسلامی در مورد واقعیت‌ها، علیت‌ها یا نسبت‌های علی و صحت عمل و رفتار در حوزه تعاملات و نظام بین‌المللی است. با توجه به ماهیت و نظام ج.ا.ایران اصول سیاست خارجی آن از دین مبین اسلام و ایدئولوژی اسلامی نشأت می‌گیرد.

واقع‌گرایان تدافعی به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولتها از سوی دیگر توجه دارند. دولتها بدنبال رفتار تهاجمی نیستند و در صورتی که امنیت آنها به مخاطره بیفتد واکنش نشان خواهند داد. در این رابطه، استفان والت بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قدرت تاکید دارد (رضا زاده و نجفی ۱۳۹۵: ۱۴۹). اهداف و راهبرد‌های سیاست خارجی ایران بیشتر تدافعی و عمل‌گرایانه است و قبل از هر چیز سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات جدید سیاسی-امنیتی در منطقه را از بین ببرد. این تحولات عبارتند از: حضور نیروهای نظامی آمریکا در مرزهای فوری ایران (حسن پور و موسوی منور ۱۳۹۶: ۱۲۴)، حضور گروه تروریستی داعش در عراق، خصوصاً شهرهای مرزی با ایران.

طبق نظریه رئالیسم تدافعی والتز دولتها دارای خصوصیات زیر هستند:

الف- دولتها نه به قدرت بلکه به تهدید پاسخ می‌دهند و سطح تهدید، تحت تأثیر عواملی چون قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه قرار دارد (هادیان، ۱۴۱: ۱۳۹۷). تقابل جمهوری اسلامی ایران با داعش نمود عینی از این سطح تهدید محسوب می‌شود.

شود. قدرت انبوه به معنی منابع کلی یک دولت و شامل جمعیت، قابلیت‌های صنعتی- نظامی و توانمندی تکنولوژیک است. هر چه قدرت انبوه یک کشور بیشتر باشد، میزان تهدیدی که متوجه سایر دولت‌ها می‌کند، نیز بیشتر است (والث، ۱۹۸۵: ۹). در خصوص نزدیکی جغرافیایی باید به فاصله تهدید توجه شود. خطراتی که از جانب داعش متوجه ایران بود بسیار جدی و تا ۲۰ کیلومتری مرز ایران با عراق پیشروی کرده بودند و قدرت تهاجمی آنها هم در تصرف موصل خیره کننده بود و در صورت عدم مداخله ایران ظرف چند روز می‌توانستند شهرهای مرزی را تصرف کنند. کمتر کسی در نیت تهاجمی داعش به ایران شک دارد. یقیناً، یکی از عوامل شکل‌گیری داعش ایجاد مزاحمت و چه بسا اشغال ایران توسط آنها می‌بود.

داعش بواسطه گرایش‌های شیعه‌ستیز، نیات تجاوزکارانه نسبت به ایران، نزدیکی جغرافیایی، قدرت نظامی و تهاجمی یک چالش عمده برای ایران و متحدانش در عراق از جمله کردها و شیعیان یا دولت متحد ایران در بغداد ایجاد کرد و در صورت تحکیم خلافت داعش، کل پروژه ایجاد دولت دوست و متحد ایران در عراق و دغدغه حفظ تمامیت ارضی عراق، با شکست کامل مواجه می‌شد (هادیان، ۱۳۹۷: ۱۵۱). ایران در این خصوص با کمک‌های مستشاری و آموزش نظامی گروه‌های داوطلب عراقی و همگرایی بین گروه‌های مختلف به مبارزه علیه داعش پرداخت. جریان‌های سلفی تکفیری توان تهدید آفرینی علیه جمهوری اسلامی ایران دارند. تمایل برخی از دولت‌های منطقه ای و فرمانطقه ای و سرویس‌های اطلاعاتی آنها به حمایت از جریان‌های ضد شیعی فضای مطلوبی را جهت ایجاد و تعمیق گسست مذهبی در میان مسلمانان جهان و گستراندن منازعات شیعه و سنی در کل جهان اسلام فراهم می‌نماید (رستمی و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۲). سیاست خارجی ج.ا. ایران در راستای حفظ امنیت خود و مقابله با تهدیدات بالقوه و بالفعل داعش، حضور فعالانه در میدان درگیری، بکارگیری تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک و نظامی در جهت شکست داعش و حفظ تمامیت ارضی خود و کمک به دولت عراق از طریق تقویت یک دولت دوست و متحد ایران در بغداد می‌باشد. حمایت از چنین دولتی نه تنها می‌تواند به کاهش وابستگی به آمریکا و کاهش نفوذ آمریکا در عراق کمک کند و مانع از طرح‌ها و فشارهای ضد ایرانی این کشور علیه تهران شود، بلکه نگرانی‌های ایران در خصوص حفظ تمامیت ارضی عراق را برطرف می‌سازد. البته که هدف اصلی ایران حفظ امنیت و تمامیت ارضی خود است؛ زیرا ایران در منطقه ای پر از مخاطرات امنیتی و در وضعیت آنارشی، به مانند هر دولتی بدنبال حفظ امنیت خود است. بدین‌سان جمهوری اسلامی در تحولات منطقه خصوصاً مبارزه با داعش رویکردی را برگزید که برای حفظ امنیتش در خارج از مرزهایش با داعش درگیر شود.

ب- پاسخ دولتها به تهدید یا به شکل موازنه قوا (شکل‌گیری اتحاد) علیه دولت تهدید کننده است یا متقابلاً تهدید دولت تهدید کننده می باشد. بر اساس اصول انقلابی و مبارزه با استکبار جمهوری اسلامی، یکی از نگرانی‌های ایران حضور نظامیان آمریکایی در مجاورت مرزهایش می باشد. آمریکا همه مولفه‌های تهدید نسبت به ایران را دارا می باشد؛ بعلاوه مقامات ایرانی برداشتی تهدید آمیز از حضور آمریکا در عراق دارند. سیاست تهاجمی دولت‌های آمریکا مایه نگرانی تهران است. سفیر سابق ایران در عراق می گوید: طبیعتاً حضور نظامی آمریکایی‌ها در خلیج فارس و ایجاد پایگاه‌های نظامی آنها در افغانستان و حضور نظامی آنها در عراق برای ما نگرانی دارد. این را نمی توان گفت که کسی بگوید ما نگران حضور آمریکایی‌ها در منطقه نیستیم. به دوستانمان در عراق اصرار داشتیم که حضور نظامی آمریکا در خاک آن کشور مغایر با روابط دوستانه‌ای است که سالهای سال با هم داریم (هادیان، ۱۴۴: ۱۳۹۷). به همین جهت ایران را به واکنش واداشت تا در جریان داعش با دولت عراق و سوریه همکاری کند و در این چارچوب با روسیه هم وارد همکاری و اتحاد شود تا بتواند موازنه قوا را در برابر حضور آمریکا در منطقه حفظ کند.

بر اساس نظر والت تهدید صرفاً به میزان قدرت دولتها بستگی ندارد، بلکه تصویری که دولتها در روابط خود از تهدید دارند، مورد نظر است. در حقیقت، دولتهای عراق و جمهوری اسلامی به این گروه‌ها بعنوان منشأ بیشترین تهدید موجود می‌نگرند و در این مورد به درک مشترکی در این مورد رسیده‌اند. با این درک و با ورود مستقیم این گروه‌ها به عراق، درک مشترک طرفین از میزان تهدیدها به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. حضور مستشاری نیروهای ایرانی در عراق و تلاش برای سازماندهی نیروهای عراقی ناشی از درک این تهدید در بین تصمیم‌سازان نظامی و سیاسی در ایران است. با تلاش نوسلفی‌ها برای تقویت جایگاهشان در عراق، سطح اتحادسازی در روابط تهران- بغداد ارتقا یافت و تلاش برای محدودسازی تهدید مشترک به ارتقای سطح روابط دو طرف یاری رساند. این ادراک مشترک با گسترش تحرکات شیعه‌ستیزانه داعش در عراق تشدید شد.

موضوع دیگر که این ادراک مشترک را تقویت کرد، نزدیک شدن ارتباطات بین داعش و مقامات سابق حزب بعث و نزدیکان صدام بود. پس از تصرف مناطق شمالی عراق توسط داعش، حضور مقامات سیاسی و نظامی رژیم سابق در عرصه میدانی در کنار داعش پررنگ‌تر شد. این نزدیکی بین داعش و مقامات رژیم صدام در تقویت این درک مشترک در مورد میزان این خطر، بین سران ایران و عراق کمک کرد (سیفی و حسن پور، ۵۱: ۱۳۹۷-۵۲).

بحران داعش و امنیت ایران

امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را می توان به صورت فقدان تهدیدات نظامی داخلی و خارجی علیه ارزشهای مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آنها تعریف کرد. این ارزشها شامل: حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، سلامت و امنیت مردم، بقای نظام سیاسی- اقتصادی- فرهنگی- مذهبی می شود. تهدیدات نظامی علیه این ارزشها ممکن است عینی یا ذهنی باشد (کریمخانی، ۱۰۰-۱۳۹۵: ۱۰۱). گروه تروریستی داعش هم تهدیدی علیه ارزشها است هم تهدیدی علیه تمامیت ارضی؛ لذا، امنیت ایران را به خطر می اندازد. تفسیر داعش از آرمانهای مذهبی یکی دیگر از مسائل مورد بحث است. مفهوم سازی از مفاهیم ارزشمند و بنیادین اسلام بویژه اسلام انقلابی، همچون جهاد و تکفیر نمودن همه غیر از خود، تهدیدی علیه آرمانهای انقلابی و اسلامی شیعه می باشد. جهاد بعنوان رکن اصلی اسلام انقلابی هم اکنون با سخیف ترین تفسیر از آن توسط داعش گره خورده است و تا مدتها در ذهن ملتها خواهد ماند. دنیا در مواردی، نظام اسلامی را با نام جنایات داعش می شناسد.

واقع گرایان تدافعی بر این باورند که دولتها از طریق حفظ جایگاه خود در نظام بین الملل به امنیت خواهند رسید. بنابراین، آنها بدنبال دستیابی به میزان مناسبی از قدرت در توازن با سایر دولتها می باشند؛ آنها بر این باورند که قدرت بیشتر منجر به امنیت کمتر خواهد شد (قوام، ۱۳۸۰: ۱۳۳). زیرا دیگران هم بدنبال قدرت بیشتر خواهند بود. قدرت طلبی ایران برای تامین امنیت بیشتر نیست؛ بلکه آنچه مهم است وجود تهدید داعش و برداشت ایران از این تهدید است که باعث شکل گیری موازنه و اتحاد با روسیه، عراق و سوریه شده است. این منبع تهدید در همه مشترک است. ایران بدنبال این است که از طریق حفظ موقعیت خود در نظام بین الملل به امنیت دست یابد. اگر ایران در برابر داعش قاطعانه عمل نکند برای ایران تبعات جدی در بر دارد که عبارتند از:

الف) احتمال افزایش ضریب غافلگیری امنیتی و دفاعی.

ب) مواجه شدن با زمان محدود و عملیاتی در صورت مواجهه با تهدید عملی از سوی گروههای تکفیری در ایران.

ج) افزایش و گسترده شدن گروههای تکفیری در صورت عدم برخورد. بنابراین، بین حذف داعش و امنیت ایران رابطه مستقیم وجود دارد.

قبل از تبیین مفهوم موازنه تهدید، آشنایی با مفهوم موازنه قدرت بعنوان قدیمی ترین و مناقشه بر انگیز ترین نظریه سیاست بین الملل ضروری است. مفهوم کلی موازنه قدرت به معنای این ایده است که کشورها در برابر افزایش قدرت یکدیگر واکنش نشان داده و این واکنش در قالب ائتلاف و اتحاد نمود پیدا می کند تا بتوانند قدرت فزاینده همدیگر را خنثی کنند. هسته مرکزی موازنه قدرت مفهوم قدرت است. هرگونه افزایش قدرت از سوی کشوری با واکنش کشور های مختلف روبرو شده و آنها را به ائتلاف سازی علیه دولت قدرتمند وادار می کند. تهدیدزایی براساس نظریه موازنه تهدید ترکیبی از قدرت و سایر عوامل نظیر توانایی های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی است. برای فهم میزان تهدید داعش باید این چهار مؤلفه تهدیدزای داعش مورد بررسی قرار گیرد (حاتمی، ۱۳۹۴: ۳۰).

۱- قدرت نظامی: داعش از لحاظ نظامی پیشرفت چشمگیری داشت. اطلاعات دقیق و جامعی از میزان توان سخت افزاری آن وجود نداشت. شبه نظامیان داعش از نظر تسلیحاتی تفاوت چندانی با یک ارتش نداشتند. بخش بزرگی از تسلیحات و مهمات آنان از انبارهای ارتش عراق و از پایگاه اصلی سپاه سوم این ارتش در شهر موصل به غارت رفته و بدین ترتیب داعشی ها بیش از صدها خودروی زرهی و تانک و تجهیزات مدرن توپخانه در اختیار داشتند. در حالیکه بر پایه برخی تحقیقات، سلاح های داعش در آغاز کار به همان سلاح ها و تجهیزات غالباً ساخت روسیه محدود بود. روسیه مهمترین تأمین کننده اسلحه و تجهیزات جنگی سوریه بشمار می آمد و پس از آنکه واحدهای ارتش سوریه بخش های بزرگی از شمال شرقی این کشور را در نبرد با داعش از دست دادند، تجهیزات نظامی موجود در این مناطق نیز بدست اعضای این گروه افتاد. بدین ترتیب، می توان گفت مهمات و تسلیحات و خودروهای نظامی که داعشی ها از ارتش عراق به غنیمت گرفتند، غالباً ساخت آمریکا بود. از سوی دیگر، البته گروه داعش به لطف منابع عظیم مالی که در اختیار داشت به خرید سلاح هایی از کشورهای آسیای مرکزی نیز اقدام کرد. همچنین، در مورد تعداد اعضای وابسته به داعش نیز اطلاعات دقیقی وجود ندارد. براساس آمار «مرکز بین المللی مطالعات خشونت سیاسی و رادیکالیسم» در اوایل سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰ هزار جنگجوی خارجی در عراق و سوریه می جنگیدند (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۲).

۲- مجاورت جغرافیایی: عمق استراتژیک ایران با داعش بسیار کم شده بود و هر لحظه احتمال امکان حمله به مواضع مرزی ایران وجود داشت. عمق استراتژیک یعنی فاصله مرزهای یک کشور تا کانون تهدید، عمق استراتژیک نقطه قوت یک کشور و نقطه تهدید برای کشور رقیب

محسوب می شود. ایفای نقش بازدارندگی در منطقه در مقابل دشمن، نقطه مهم برای دفاع از خود در مقابل کشور متخاصم با ضربه دوم از مشخصه های این مفهوم محسوب می شود (بازرگان و پور احمدی میبیدی، ۱۳۹۷: ۹۵). باری بوزان معتقد است از آنجا که تهدیدات از فاصله نزدیک سریع تر حس می شوند تا از فاصله دور، ناامنی اغلب با نزدیکی همراه است و اغلب دولت‌ها، بیش از همسایگان خویش واهمه دارند تا از قدرت‌های دور. این نگاه واقع‌گرایانه بر نظریه موازنه تهدید نیز سایه افکنده و از اینروست که نظریه پردازانی نظیر والت بر اهمیت مجاورت جغرافیایی در میزان سطح تهدیدات تأکید دارند.

عنصر مجاورت در تهدیدزایی داعش برای ایران نقشی کلیدی بازی کرد. این گروه تکفیری از سال ۲۰۱۴ به شکل جدی و عملی وارد خاک عراق شد و شهرهای مهمی همچون موصل و تکریت را تصرف کرد و با تصرف برخی استان‌های شمالی عراق بویژه استان دیالی در اواسط سال ۲۰۱۴، این گروه در عمل وارد استان‌های هم‌مرز عراق با ایران شد که این خود تهدیدی اساسی برای جمهوری اسلامی بود. طول مرزهای مشترک ایران و عراق ۱۵۹۹ کیلومتر است و از اینرو هرچقدر که فعالیت داعش در عراق گسترش بیشتری می یافت، خطر بروز تهدیدات این گروه برای ایران بیشتر می شد؛ زیرا سطح تماس مرزی آن با ایران افزایش می یافت که این خود امکان بروز درگیری‌های مرزی را بیشتر می نمود (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۴).

پیدایش داعش در قلمرو مجاور به شیوه‌های گوناگون هویتی و غیرهویتی برای جمهوری اسلامی منشأ تهدید تلقی می شد. یکی از نخستین تهدیدات، تبدیل دولت عراق به یک دولت ورشکسته و سرازیر شدن میلیون‌ها آواره به قلمروی ایران بود. در خلال جنگ عراق و کویت بیش از ۸۰۰ هزار کرد و شیعه عراقی به ایران آواره شدند. با توجه به اینکه هر آواره روزانه برای جمهوری اسلامی دو دلار هزینه دارد، در کنار میلیون‌ها آواره افغان، با ورود آوارگان جدید، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی فراوانی به وجود می آمد. پیدایش داعش موجب مداخله دیگر کشورها در عراق شد و با توجه به حضور شیعیان که عراق عمق راهبردی جمهوری اسلامی محسوب می شود، این مداخلات برای ایران تهدید محسوب می شد (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۴).

۳- قابلیت تهاجمی: افزایش قابلیت‌های تهاجمی داعش با ورود به عراق نیز میزان تهدید آنها را افزایش داد. این گروه‌ها در پرتو کمک‌های مالی و نظامی برخی کشورهای منطقه به تسلیحات پیشرفته و قابل توجهی دست یافته بودند. در رژه‌ای که این گروه در اوت سال ۲۰۱۴ برگزار کرد، تجهیزاتی که در اختیار داشت (بویژه تجهیزاتی را که در عراق به غنیمت گرفته بود) را

به نمایش گذاشت. این تجهیزات بیشتر شامل تانک‌ها، خودروهای زرهی و تانک‌های آمریکایی ارتش عراق بود. این تجهیزات نظامی در اختیار ارتش و پلیس عراق، به هنگام اشغال مناطق گسترده در شمال این کشور، به دست داعش افتاد. ارتش و پلیس عراق در بسیاری از مناطق به هنگام حمله داعش، عقب‌نشینی یا فرار کردند. به همین دلیل، حجم گسترده‌ای از تسلیحات و تجهیزات، سالم در اختیار داعش قرار گرفت. از جمله این تسلیحات موشک اسکاد بود. در میان این تسلیحات شمار زیادی توپخانه، انواع ضد هوایی و خودروها و تانک‌های هامر ساخت آمریکایی دیده می‌شد. داعش همچنین شمار زیادی ضد هوایی از جمله موشک‌های حرارتی و موشک‌های ضد هوایی دوش پرتاب در اختیار داشت. همچنین، این گروه با تصرف پایگاه‌های هوایی ارتش سوریه چند هواپیمای نظامی ارتش سوریه به دست آورده که بارها تهدید به استفاده از آنها کرد.

قابلیت تهاجمی داعش وقتی تشدید شد که با سیاست خارجی تهاجمی عربستان همسو شد. دکترین سیاست خارجی دولت ملک سلمان که توسط محمد بن سلمان و نیز عادل الجبیر، وزیر وقت خارجه ضد ایرانی هدایت می‌شد، بر مبنای بحران آفرینی و نبرد نیابتی با جمهوری اسلامی استوار شد. عربستان که از یکطرف با بحران متراکم تقاضاهای داخلی و از طرف دیگر با تغییر سیاست خارجی آمریکا مواجه شده، می‌کوشید در منطقه نقش آفرینی کند. سیاست خارجی تهاجمی عربستان و به تعبیر یکی از نویسندگان «دکترین سلمان» واکنشی به دکترین اوباما است که بر خلاف سایر رؤسای جمهوری آمریکا در پایان دوره ریاست جمهوری آن و بطور اعلام نشده، حاضر به پرداخت هزینه حداکثری نیست (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۶).

حمایت همه جانبه دولتهای سنی منطقه در صدر آنها عربستان از گروههای تکفیری سلفی و داعش تلاشی جهت از هم پاشیدن اقتدار شیعیان در منطقه و منزوی نمودن ایران بود. این تلاش‌ها از سوی عربستان بشدت در تمام جبهه‌ها پیگیری می‌شود (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳). با رشد قارچ گونه نیروهای داعشی در عراق، عربستان اولین کشوری بود که حمایت همه جانبه مالی و نظامی را در اختیار آنها قرار داد. افراد زیادی از این کشور به گروه تروریستی داعش پیوستند. حتی بسیاری از مناصب رده بالای داعش را در اختیار داشتند. عربستان تلاش کرد با صرف هزینه‌های هنگفت گروه داعش که مبانی فکری بسیار نزدیکی با وهابیت دارد را در عراق و سوریه به قدرت برساند (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴).

در موضوع تهاجم باید به همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی گسترده سعودی‌ها با اسرائیل نیز اشاره کرد که از حالت محرمانه خارج شده است. اسرائیل نه تنها همواره بدنبال تجزیه کشورهای

خاورمیانه بویژه عراق بوده، بلکه می‌کوشد در محیط امنیتی مجاور جمهوری اسلامی وارد شود. پیدایش داعش در عراق، به تحقق این هدف اسرائیل برای مقابله با جمهوری اسلامی می‌توانست کمک کند. اسرائیل تنها رژیم بود که بصراحت از همه‌پرسی و استقلال کردستان عراق حمایت کرد. قابلیت تهاجمی داعش در پیوند با همجواری با ایران، می‌توانست تهدیدات گسترده‌ای علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی رقم بزند. حمله تروریستی این گروه به مرقد حضرت امام خمینی (ره) و مجلس شورای اسلامی، یکی از اقدامات برجسته داعش بود. اگر توان امنیتی گسترده جمهوری اسلامی نبود، این حملات به مراتب افزایش می‌یافت. استفاده نیروهای داعش از عملیات انتحاری، یکی از وجوه قابلیت گسترده تهاجمی آنهاست (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۶).

۴- نیات تهاجمی: بزرگترین عامل تشدیدکننده تهدید داعش برای ایران به نیات تهاجمی و توسعه‌طلبانه آنها باز می‌گردد. این گروه به علت تعارضات ایدئولوژیک با ایران، بارها از تلاش خود برای تهدید ایران خبر داده بود. علاوه بر این تهدید حمله به شهرهای مقدس شیعیان در عراق نظیر کربلا و نجف، که امنیت آنها برای جمهوری اسلامی دارای اهمیت بسزایی است و ایران بارها اعلام کرده، خطوط قرمز ایران است. وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در این مورد اشاره کرده است: یک روز خبر آوردند که امکان سقوط شهرهای کربلا و نجف وجود دارد، رئیس جمهور در آن جلسه گفت این شهرها خط قرمز ما است و اگر قرار باشد چنین اتفاقی بیفتد هیچ محدودیتی در عملیات وجود نخواهد داشت. همچنین وی با بیان اینکه مسئله عراق برای جمهوری اسلامی ایران یک موضوع بسیار مهم است، اظهار کرد: «ما در این مسئله حضور به موقع داشتیم و روزهایی بود که نگران سقوط شهرهای زیارتی و عتبات عالیات بودیم؛ چون شش لشکر تسلیم شده و اختلافات سیاسی در عراق و فشارهای بین‌المللی نیز زیاد بود و این تنها ایران و حزب الله لبنان بود که از دولت عراق حمایت کرد» (سیفی و حسن پور، ۱۳۹۷: ۵۷-۵۸).

کشورهایی که سیاست خارجی خود را بر مبنای رئالیسم تدافعی ترسیم می‌کنند، خواهان دستیابی به امنیت به بهای کاهش امنیت دیگران نیستند، رابرت جروسی، یکی از نظریه پردازان اصلی این نظریه می‌گوید: دولتها می‌توانند بدون کاهش امنیت دیگران امنیت خود را حفظ کنند و حتی در پیش گرفتن سیاست تدافعی بر اتخاذ سیاست تهاجمی آنها ترجیح یابد. تاکید بر افزایش در امنیت دولتها فقط به مقدار اندکی از امنیت سایر دولتها می‌کاهد و در این شرایط همه قدرتهای خواهان وضع موجود می‌توانند از درجه بالای امنیت بر خوردار شوند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۶). قدرت گرفتن داعش در عراق و سوریه و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای از

این کشور ها نه تنها عراق و سوریه را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی جدی روبرو ساخته بلکه تهدیدات و مخاطرات مهمی را برای امنیت منطقه ای و بین المللی ایجاد کرده است (آجیلی و مبینی کشه، ۱۳۹۳: ۱۲۰). در این راستا، برای جمهوری اسلامی ایران بدلیل داشتن مرزهای زمینی طولانی با عراق داعش بعنوان تهدید فوری بحساب می آید و ج.ا.ایران می بایست با تمام قدرت در مقابل قدرت گرفتن این گروه می ایستاد. والت می گوید که کشور ها به تهدید ها واکنش نشان نمی دهند؛ بلکه آنها به برداشت خود از تهدید واکنش نشان می دهند (نظامی پور شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۷). برداشت ایران از داعش در سطح یک تهدید جدی و فوری قلمداد می شود؛ چرا که داعشی ها برداشتی که از اسلام شیعی دارند، در حد تکفیر است.

با وجود حضور داعش در منطقه، منافع ملی ایران هم به خطر افتاده بود. از منظر واقع گرایی علاوه بر امنیت، منافع ملی هم بعنوان اصلی ترین رکن در سیاست خارجی کشور ها لحاظ می شود. در اتخاذ سیاست خارجی برای تامین منافع ملی، دولت محوری به این معنی است که دولتها مهمترین بازیگران در صحنه روابط بین الملل محسوب می شوند. حاکمیت محوری یعنی اینکه دولتها در روابط بین الملل از حاکمیت تام برخوردارند و قدرت محوری و اصل آنارشی یعنی اینکه در حوزه داخلی نظم و قانون وجود دارد؛ ولی در حوزه روابط بین الملل آشفتگی حاکم است. واقع گرایان جهان را دارای منافع متعارض می دانند و با استناد به ویژگی دولت های ملی، بر این باورند که در نظام بین الملل منافع و اهداف کشور ها در تعارض با هم قرار می گیرند (زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۵). بنا به اعتقاد کیسینجر، کشور ها در سیاست بین الملل برای رسیدن به منافع ملی و قدرت، اصول اخلاقی را زیر پا می گذارند (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۸). برای واقع گرایان، قدرت در چگونگی روابط متقابل میان دولتها و تنظیم سیاست خارجی و اهداف نقش مهمی بازی می کند (زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

اهدافی مهمتر هستند که چارچوب کلی سیاست خارجی یک دولت را تشکیل می دهند. اجرای سیاست خارجی نیازمند برقراری رابطه میان دولت اجرا کننده سیاست و دیگر دولتهاست که آنها نیز سیاست خارجی ویژه خود را دارند (زمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۷). از همسویی سیاست خارجی دولتها با هم است که در یک موضوع موضعی یکسان اتخاذ می کنند و گاهی به اتحاد کشیده می شود. جمهوری اسلامی در تعقیب منافع ملی خود هرگز بدنبال جنگ و توسعه طلبی نبوده اما بر اساس سیاست واقع گرای تدافعی خود حاضر نیست وضع موجود به نفع دیگران تغییر پیدا کند.

داعش با وجود رشد سریع و افزایش قدرت، منافع ملی ایران در عراق را با خطر جدی مواجه ساخته بود. بدین لحاظ، ایران با دولت عراق متحد شد. مهمتر از همه، حضور آمریکا در عراق است که به بهانه مبارزه با تروریسم منافع ملی ایران را به خطر انداخته است. آمریکا هم از نفوذ و افزایش قدرت ایران در عراق و منطقه احساس خطر می کند.

مشارکت با کشورهای منطقه

در چارچوب رئالیسم تدافعی همکاری بهترین راه حل برای رفع تضاد منافع و اختلافات معرفی می شود؛ این راهکار تطابق زیادی با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. اما این راهکار در مورد همکاری با آمریکا در مبارزه با داعش بنا بدلائل و سوابق بد آمریکا نظیر واقعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حمایت از مخالفین و سلطنت طلبان و حضور مداخله جویانه اش در منطقه و عدم سیاست شفاف نسبت به تروریسم هیچ رغبتی برای همکاری در زمینه داعش ندارد (حسن پور و موسوی منور، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

درست است که ایران در مورد داعش با آمریکا همکاری نکرد و به ائتلاف مبارزه با داعش نپیوست اما دلیل نمی شود که نتواند با کشورهای دیگر در این زمینه همکاری کند. واضح است که کشورهای که در معرض تهدیدات مختلف قرار می گیرند بیش از همه نیازمند همکاری و موازنه قوا هستند. در همین راستا، تحركات ایران در خاورمیانه، اتحاد با عراق، سوریه و روسیه را می توان تلاش برای بر ایجاد توازن و شکست داعش تعبیر نمود. به تعبیر دیگر، هرگونه تحول منطقه ای می تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس تاثیر بگذارد. بنابراین، همانطوری که با رفتن بشار اسد از قدرت قدرت منطقه ای ایران کاهش پیدا می کند (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۴). با ماندن در قدرت هم قدرت ایران حتی اگر افزایش پیدا نکند در وضعیت فعلی باقی می ماند.

شکل گیری ائتلاف جدید و حمایت ایران و عراق از مداخله نظامی روسها در سوریه، با واکنش بازیگران منطقه ای و بین المللی مخالف نظام سوریه همچون آمریکا ترکیه و عربستان مواجه شد. این ائتلاف چهار گانه (شامل ایران، عراق، سوریه و روسیه) در مقابل ائتلاف موسوم به ائتلاف ضد داعش برهبری آمریکا تعریف شد و پیامد های منطقه ای و بین المللی زیادی به همراه داشت (حقیقی و آرم، ۱۳۹۵: ۵).

ایران در راستای امنیت نسبی و حفظ منافع ملی خود در منطقه حضور دارد. تحولات عراق و سوریه بطور مستقیم بر امنیت ج.ا.ایران تاثیر دارد و ایران خود را ملزم می داند در راستای حفظ امنیت، منافع ملی و نقش قدرت منطقه ای خود (نظامی پور شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۱) در منطقه حضور فعال داشته باشد و با گروه تکفیری داعش مبارزه کند. در نظر والت، متغیر ایدئولوژی بعنوان یک انگیزه برای شکل دادن اتحاد برای موازنه در قیاس با متغیرهای قدرت و تهدید، کمتر تعیین کننده است. والت بسیاری از اتحادهای ایدئولوژیک را بعنوان شکلی از رفتار موازنه تفسیر کرده است. (نظامی پور شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۷). گرایش دولت شیعی عراق به ایران و استقبال از کمکهای مستشاری و نظامی در جهت مبارزه با داعش در این راستا تفسیر می شود.

همکاری با عراق، سوریه و روسیه

ایران در کمک به نیروهای کرد و عراقی در مقابله با داعش، از همان آغاز تردیدی به خود راه نداد و فعالانه آنها را تشویق به مبارزه با این گروه کرد. با اینکه نیروهای سیاسی کرد بویژه حزب دموکرات کردستان عراق و نیروهای اسلامگرای کرد، در ابتدا مخالف درگیر شدن با داعش بودند و مقامات کرد صراحتاً اعلام کردند که وارد جنگ مذهبی تحت لوای جنگ ترور نمی شویم؛ اما بعد از حمله داعش به چند شهر کردها از جمله سنغال و به خطر افتادن پایتخت اقلیم کردستان (اربیل) تصمیم به جنگ با داعش را با تمام قوا اتخاذ کردند. ایران اولین کشوری بود که جهت مبارزه با داعش به حکومت اقلیم کردستان بنا به گفته «مسعود بارزانی» کمک تسلیحاتی کرد (هادیان، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

کمکهای ایران چنان تعیین کننده بود که از پیشرویهای داعش به سمت «بغداد» و «اربیل» جلوگیری کرد.

والتر معتقد است که اهمیت تفاوت‌های ایدئولوژیک هنگامی که سطح تهدید افزایش پیدا می کند کاهش می یابد. موضوع همکاری با سوریه برغم تفاوت شیعیان علوی با شیعیان اثنی عشری در ارتباط با اتحاد علیه داعش، بخوبی این موضوع را روشن می نماید. سوریه و ایران یکی از غیر محتمل ترین مشارکتها در جهان را در طول چند دهه گذشته تشکیل داده اند. دو کشور زبان و فرهنگ مشترکی ندارند. شهروندانشان از نژادی مشابه نیستند. اشکال حکومتشان بطور قطعی و چشمگیری متمایز از هم می باشد. مذهب بیشتر ساکنین این دو کشور مشابه نیست؛ با این وجود این دو کشور امروزه یکی از قویترین و عمده ترین اتحادها را در کل خاورمیانه تشکیل داده اند.

والت استدلال می کند که دولت‌ها بیشتر به موازنه تمایل دارند تا دنباله روی؛ والت می گوید کمک خارجی و سیاسی و همچنین نفوذ اقتصادی نقش کمی در شکل گیری گزینه های اتحاد به خودی خود ایفا کرده اما ممکن است یاریبخش منافع موجود در منافع کشور های همسو باشد (نظامی پور و شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۸). همسویی ایران با روسیه در قبال مبارزه با داعش و حمایت از بشار اسد، بدون نقش ایدئولوژیک، برغم اهمیتش در اتحاد در این خصوص وجود ندارد و می توان برای نفوذ اقتصادی و سیاسی نقش پر رنگ تری را متصور بود.

واضح است کشور هایی که در معرض تهدیدات مختلف قرار می گیرند بیش از همه نیازمند موازنه قوا و اتحاد هستند. در همین راستا، تحولات جدید در خاورمیانه را می توان تلاش برای ایجاد توازن تعبیر نمود. به تعبیر دیگر، هرگونه تحول منطقه ای می تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشور های خاورمیانه و خلیج فارس تاثیر بگذارد.

با شکل گیری تحولات جدید در منطقه خاورمیانه، کشور های عربستان و ترکیه هم در صدد این بر آمدند که بر موازنه منطقه ای تاثیر بگذارند (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۴). اقداماتی که عربستان و ترکیه در قبال گروه های مسلح در سوریه انجام می دهند در همین رابطه است. هرگاه موازنه قدرت دچار دگرگونی شود زمینه برای شکل گیری منازعه و جنگ بوجود می آید (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۴).

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد تدافعی در حوزه های محیط پیرامونی خود در پی حل و فصل چالش های موجود در خاورمیانه با همکاری و مشارکت کشور های اسلامی است. هر چند نوع و ماهیت چالش ها در حوزه های مختلف و کشور ها متفاوت است؛ اما با وجود این، با رویکرد مبتنی بر همکاری و مشارکت، قابل حل و فصل است. برای مثال، بحران های اخیر و فعلی در خاورمیانه، نظیر داعش در عراق و سوریه و افغانستان، بحران لیبی و یا حتی بحران فلسطین می تواند با همسویی اتحادیه عرب و ایران در جهت فشار بر رژیم صهیونیستی موثر واقع شود. اتحاد دنیای اسلام دور از انتظار نخواهد بود اگر حکام کشور های عربی واقع گرا باشند و بدانند که برای استکبار و در راس آنها آمریکا حفظ صهیونیسم از هر چیزی مهمتر است. حضور آنها در خاورمیانه چیزی جز بدبختی برای مسلمانان و تامین منافع غرب و اسرائیل ندارد.

یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت با افزایش ارتباطات و پیوندها، گسترش شفافیت اهداف و منافع در حوزه سیاست خارجی کشورها و حل و فصل تدریجی اختلافات و مناقشات موجود و اعتمادسازی، اتکای کشورهای کوچکتر به قدرت های فرمانطقه ای را کاهش می دهد و زمینه های لازم برای پدیدار شدن یک نظام امنیتی پایدار و توافق شده را در خاورمیانه مهیا می کند.

جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات سوریه و عراق در برابر تهدید مشترک (نظامی پور شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۱۰). که همان تروریسم و گروه داعش است از راهبرد کلان موازنه تهدید در منطقه بهره می گیرد و رویکرد حفظ وضع موجود در قبال یکجانبه گرایی آمریکا در منطقه خاورمیانه را دنبال می کند. جمهوری اسلامی ایران مطابق با اصل ۱۵۲ قانون اساسی خود که بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه، تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است مبارزه با آمریکا، اسرائیل (نظامی پور شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۱۰)، تروریسم و گروههای افراطی را جزو اصول سیاست خارجی خود می داند. ایران خود را رهبر جناح مقاومت شمرده و سوریه یکی از اعضای این محور است؛ لذا، تغییر وضع موجود یعنی تضعیف ایران و جبهه مقاومت، و این مغایر با اهداف و منافع ملی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران است (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲: ۸۴).

در توضیح نقش ویژه ای که ایران در قبال مبارزه با داعش و در راستای حمایت از دولت عراق بویژه سوریه دارد می توان به موضوع بسیج نیروی مردمی، تحت عنوان مدافعین حرم اشاره کرد. نیرویی که نقش بی بدیلی در پیروزی های بدست آمده علیه تکفیری ها ایفا کردند. مدافعان حرم اهل بیت یا به اختصار و مشهور به مدافعان حرم نیروهای نظامی هستند که برای مبارزه با تروریستها در کشور سوریه و عراق از حرم حضرت زینب (س) حفاظت می کنند. افراد این نیرو بیشتر از کشورهای ایران، یمن، افغانستان، عراق، سوریه و لبنان هستند. اگر مدافعین حرم در کشور های دیگری خارج از مرز ایران که تروریست ها آنجا حضور دارند، حضور پیدا نمی کردند قطعاً شاهد تبعات ناخوشایندی در داخل ایران بودیم؛ چرا که تروریست ها به هیچکس رحم نمی کنند. این تفکر برای همه مردم ایران جا افتاده است که مدافعین حرم، خارج از مرزهای ایران امنیت داخل کشور را تامین می کنند؛ پیش از اینکه هر حرکت نظامی از سوی تکفیری ها به مرز های کشور نزدیک شود (نظامی پور شادمانی اخوان، ۱۳۹۵: ۱۷). مهمتر از این، شکل گیری نیروی بسیج در درون خود ملت سوریه و عراق که تحت تاثیر عقاید و افکار و الگوی نیروی بسیج در ایران می باشد.

ایران در راستای حفظ وضع موجود رویکرد همکاری با روسیه را اتخاذ کرد تا هم با داعش مبارزه کند هم حکومت بشار اسد را نگاه دارد. حمایت پوتین از سوریه هم بمعنای بازگشت واقعی روسیه به صحنه بین الملل و مهمترین تغییر ژئوپلتیک این کشور در چند سال اخیر محسوب می شود. پوتین که فروپاشی شوروی را یک اشتباه تاریخی می داند دیگر حاضر نیست بعد از سقوط

نظامهای اقتدارگرای وابسته به روسیه (عراق و لیبی) آخرین پایگاه و منطقه نفوذ روسیه در خاورمیانه یعنی سوریه از دست بدهد (چوگانی و صفری، ۱۳۹۵: ۱۵). روسیه بخوبی می داند که با سقوط اسد موقعیت ایران در منطقه تضعیف می شود که در این صورت به منافع روسیه هم ضربه خواهد رسید.

ائتلاف ایران، روسیه، سوریه و عراق نشان داد که با تمام توان از سوریه در برابر تروریسم و اهداف نا مشروع ائتلاف آمریکایی حمایت می کند. درست است که هر یک از اعضای این ائتلاف هم دلایل خاص خود را برای پیوستن به آن دارند اما هیچگاه با تروریسم، دوگانه برخورد نکردند. این خاصیت نظام بین الملل است که کشورهای همسو را در قبال موازنه قدرت به سمت همکاری و ائتلاف می کشاند اما نه از بابت افزایش قدرت نسبی بلکه به خاطر حفظ وضع موجود است. روس ها قصد دارند از گسترش نا امنی و تروریسم به مرز های خود در ناحیه قفقاز جلوگیری کنند. عراق قصد دارد از ظرفیت و توانایی روسیه برای مقابله با داعش در عراق استفاده نماید (حقیقی و آرم، ۱۳۹۵: ۶). ایران هم که می تواند با وجود روسیه علاوه بر شکست داعش متحد استراتژیک خود در سوریه را نگاه دارد.

نتیجه گیری

با ظهور داعش، معادلات منطقه‌ای در غرب آسیا بشدت دستخوش تغییر شد. عراق ضعیف را با بحران تازه ای مواجه کرد. سوریه را تا آستانه فروپاشی و سقوط پیش برد. باعث شد تمام کشورهای دیگر منطقه هر یک به نوعی درگیر این ماجرا شدند. آمریکای مدعی برقراری نظم جهانی و دموکراسی حضورش را پر رنگ تر کند و روسهای نا امید بعد از جنگ سرد را به فعالیت وادارد. از طرفی، ایران را با چالش های جدی روبرو ساخت. در این خصوص، عملکرد کشورهای حامی داعش، فضای مفاهمه و تعامل سازنده را تضعیف و منطقه را به تنش و ناآرامی دچار می کند؛ در نتیجه، همگرایی جای خود را به واگرایی منطقه‌ای می دهد. فعالیت تکفیری، حضور مجدد آمریکا را در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس را رقم زد و جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت سازی در خلیج فارس تلقی می کند؛ روابط دوجانبه نظامی - امنیتی آمریکا با این کشورها، از جمله قراردادهای خرید سلاح چندصدمیلیاردی میان عربستان و آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ، عاملی مهم در جهت پیشگیری از همکاری ها و تعامل های

منطقه‌ای و به هم خوردن معادلات منطقه می‌شود؛ حتی، حضور نیروهای ناتو در منطقه، هزینه‌های امنیتی ایران را در بلندمدت بالا خواهد برد؛ از سوی دیگر، حضور این نیروها در همسایگی روسیه برای روس‌ها خوشایند نیست و این مسئله، باعث رقابت میان دو ابرقدرت روسیه و آمریکا خواهد شد و در نهایت، زمینه به‌راه افتادن جنگ نیابتی و ایجاد ناامنی را در منطقه فراهم خواهد کرد (رضایی فرامانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

فعالیت‌های تروریستی داعش، ضمن حاکم کردن فضای جنون‌آمیز و غیرعقلانی در میان مسلمانان، باعث رشد تعصب‌های مذهبی و گرایش‌های افراطی و شدت انتقام‌جویانه در میان مسلمانان شد؛ این موضع، در تعارض با رویکرد و مشی مسالمت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و عقلانیت محوری و نفی خشونت را که یکی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، تهدید می‌کند.

منابع و مأخذ

- آجیلی، هادی و زهرا مبینی‌کشه (۱۳۹۳)، «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، فصلنامه حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم.
- آدمی، علی، کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴.
- آذین، احمد و علی سیف زاده. (۱۳۹۴). «بررسی زمینه‌های ظهور اجتماعی و سیاسی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۹.
- بازرگان، ابوالفضل، پورا احمدی، میدی، حسین (۱۳۹۷)، ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۷)، فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۳.
- ببری، نیکنام. (۱۳۹۳). تروریسم و جهانی شدن ارتباطات، تهران: ابرار معاصر.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱.
- چوگانی، حسن، صفری، فاطمه (۱۳۹۵)، بررسی بحرانهای داخلی سوریه و اهداف شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۱۶.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «شکل‌گیری داعش در پویش جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰، تابستان، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- حسن پور، طاهر، موسوی منور، سید ایوب (۱۳۹۶)، بررسی رئالیستی سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه و راهکار مواجهه با آن، فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌المللی، سال دوم، شماره پنجم.

- حقیقی، محمد علی، آرم، ابراهیم (۱۳۹۵)، نقش ایران در تحولات سوریه (سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۶)، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره دوم، شماره ۲/۴.
- عباسی، محمود (۱۳۹۳)، «سنخ‌شناسی داعش»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.
- رستمی، علی اکبر، اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۵)، راهبرد های دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان های تکفیری، فصلنامه مدیریت و پژوهشهای دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۸۱.
- رضا زاده، میثم، نجفی، سجاد (۱۳۹۵)، جایگاه سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵.
- رضایی فرامانی، رسول (۱۳۹۴)، تاثیر ظهور گروه های تکفیری داعش در خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران؛ همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی؛ سنج.
- زارعان احمد (۱۳۹۲)؛ «سنخ‌شناسی شکاف‌های اجتماعی در سوریه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۶
- زمانیان، روح‌الله (۱۳۹۰)، مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه‌ها؛ واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۸۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، نو واقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- سیف زاده، سیدحسین (۱۳۸۳)، اصول روابط بین‌الملل الف و ب، تهران، نشر میزان.
- سیفی، عبد الحمید، پور حسن، ناصر (۱۳۹۷)، داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، تهران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
- صالحی، سید جواد و فاتح مرادی نیاز. (۱۳۹۴). «پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلتیک خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ۵، ش ۱.
- کریم خانی، احد (۱۳۹۵)، بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، فصلنامه مدیریت و پژوهشهای دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۸۱
- قاسمی، فرهاد (۱۳۷۹) جایگاه گفتمان امنیت در جدال های پارادایمی روابط بین‌الملل: واقع‌گرایی گفتمان امنیت ملی، تهران: موسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب.
- نجات، سیدعلی (۱۳۹۳)، «عوامل تاثیرگذار در گسترش جریان سلفی‌های جهادی»، پایگاه اینترنتی آفتاب.
- نظامی پور، قدیر، شادمانی، مهدیه، اخوان، منیژه (۱۳۹۵)، ارزیابی چگونگی راهبرد نوین مستشاری ایران در مقابله با گروه های تکفیری در سوریه، پژوهش های حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۸.

- مرشایمر، جان (۱۳۸۸) تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- هادیان ناصر (۱۳۹۸) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید دو فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام دوره ۷ شماره ۲.
- Waltz, Kenneth H (1979), Theory of International Politics, New York: Random House .
- Waltz, Kenneth N (1989), the Origins of War in Neorealist Theory, in Robert I. Rotberg and Theodore K. Rabb, eds., The Origin and Prevention of Major Wars, New York: Cambridge University Press.
- Walt. Stephen M. (1985), Alliance Formation and Balance of World Power” International Security, Vol 9 No4/